

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ: مایکل رابرتز
برگردان از: سایت تدارک
فرستنده: علی مشرف
۲۸ مارچ ۲۰۲۲

کسری جمعیت اروپای شرقی

فزون بر ۳ میلیون نفر از اوکراینی‌ها برای فرار از جنگ جاری در کشورشان به هجرتی عظیم به کشورهای همسایه مبادرت ورزیده‌اند. دقیقاً همانطور که در سوریه و دیگر کشورهای گرفتار جنگ رخ داده، در این کشور نیز یک فاجعه پناهندگی در جریان است.

اما این هجرت اخیر از اوکراین علاوه بر میلیون‌ها نفری است که پیش از این در طی سی سال گذشته این کشور را ترک کرده‌اند. حتی پیش از مناقشه اوکراین-روسیه، کسری جمعیت رو به افزایشی در اوکراین و اغلب کشورهای اروپای شرقی از جمله روسیه در جریان بود. اروپای شرقی در دهه‌های اخیر انقباض جمعیتی را به خود دیده که نمونه مشابهی در تاریخ مدرن ندارد.

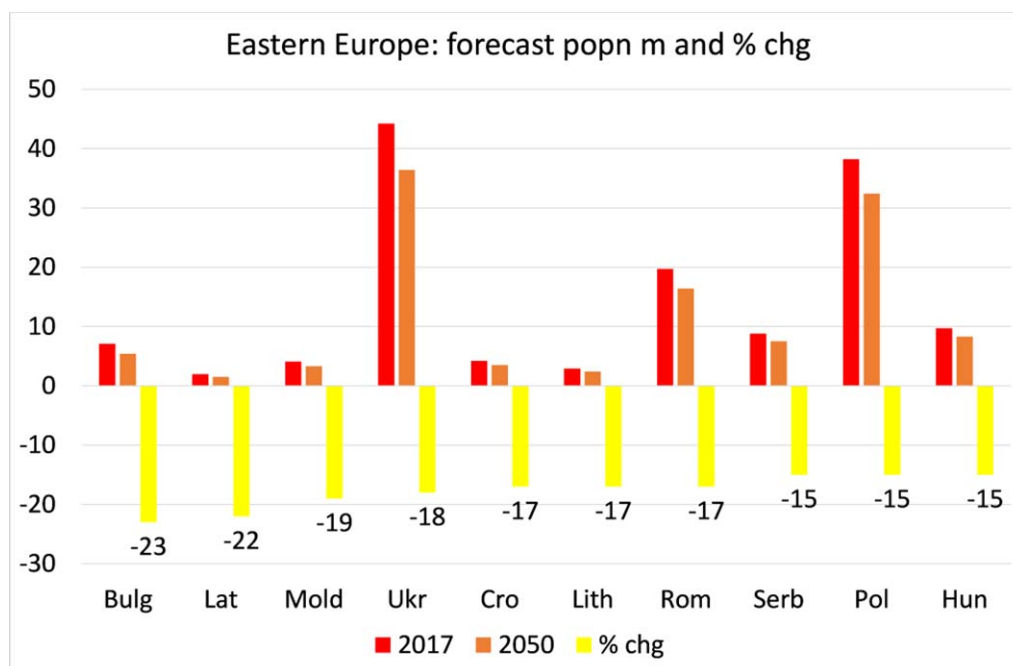
بسیاری از کشورهای جنگ زده مثل سوریه متحمل رنج از دست دادن جمعیت قابل توجهی شده‌اند، اما افت جمعیت در سراسر یک منطقه و آن هم به شکل موردی مستمر در طول دهه‌ها از دهه ۱۹۵۰ به این سو هرگز در هیچ جای جهان مشاهده نشده است. بنا بر تخمین ملل متحد، جمعیت اروپای شرقی هم اکنون حدوداً ۲۹۲ میلیون نفر است، و این یعنی ۱۸ میلیون کمتر از اوایل دهه ۱۹۹۰، یا به عبارت دیگر جمعیت نقصان یافته اروپای شرقی رقمی بیش از جمعیت کنونی هالند است!

جمعیت اروپای شرقی از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد در حال انقباض بوده است. اما چرا؟ علت اصلی این امر مهاجرت خیل عظیمی از مردم کشورهای حوزه بالتیک، بلغارستان، رومانی، اوکراین و دیگر کشورهای هم‌مرز با روسیه به سمت "غرب" بوده است. این مهاجرت‌ها در پی دستیابی به کار و کامیابی بیشتر در زندگی صورت گرفته است.

دست کم یازده کشور، از جمله بلغارستان، رومانی و اوکراین، از سال ۱۹۸۹ تاکنون افت جمعیتی بیش از ۱۰٪ داشته‌اند. در این میان لتونی با کاهش ۲۷ درصدی، بیش از یک چهارم جمعیتش را از دست داده است. این افت جمعیت در لیتوانی ۲۳٪ و در بوسنی و هرزگوین ۲۱٪ بوده است. جمعیت بلغارستان از ۹ میلیون در سال ۱۹۸۹ به ۷.۱ میلیون در سال ۲۰۱۷ رسیده است.



بر اساس [پیش‌بینی‌های ملل متحد](#)، ده کشور نخست در رده‌بندی کشورهای دارای سریع‌ترین افت جمعیت همگی در اروپای شرقی واقع شده‌اند. انتظار می‌رود کشورهای بلغارستان، لتونی، مولداوی، اوکراین، کرواسی، لیتوانی، رومانی، صربستان، پولند و هنگری تا سال ۲۰۵۰ شاهد از دست دادن حداقل ۱۵٪ جمعیت خود باشند. البته این تخمین با توجه به شرایط کنونی در مورد اوکراین افزایش خواهد یافت.



بلغارستان دارای سریع‌ترین روند کاهش جمعیت در جهان است، و انتظار می‌رود جمعیت آن از ۷ میلیون در سال ۲۰۱۷ به ۵.۴ میلیون در سال ۲۰۵۰ برسد. در مورد لتونی انتظار کاهش جمعیت از ۱.۷ میلیون در

سال ۲۰۱۷ به ۱.۵ میلیون وجود دارد، و چشم‌انداز کاهش جمعیت برای مولداوی از ۴ میلیون به ۳.۲ میلیون تخمین زده می‌شود.

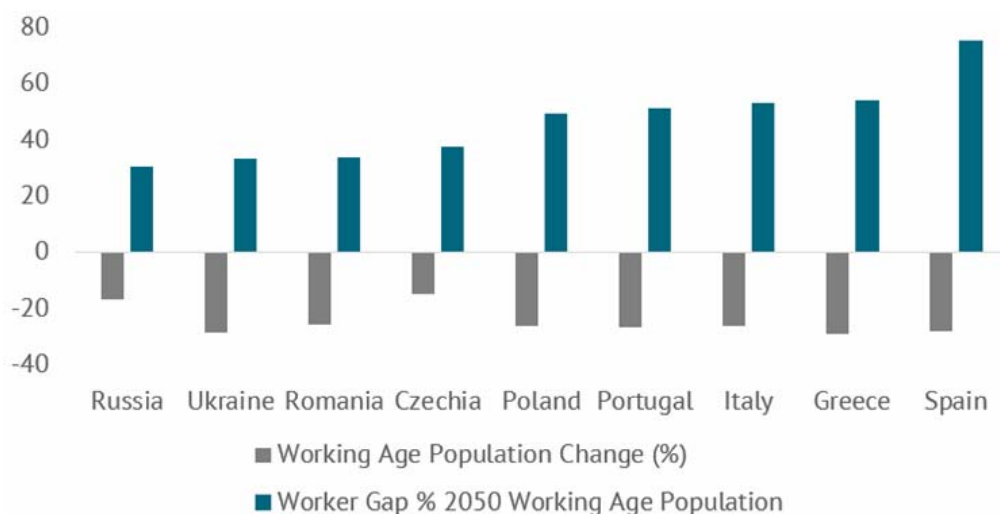
مهاجرت در حکم سوپاپ اطمینان برای اقتصادهای سرمایه‌داری بسیار ضعیفی بوده که در غیر این صورت نمی‌توانسته‌اند اشتغال یا شرایط زندگی بهتری فراهم نمایند. در حقیقت، علت اصلی افزایش درآمد سرانه این اقتصادهای ضعیف در قرن ۲۱ کاهش تعداد نفوسی است که در این کشورها زندگی می‌کنند.

مهاجرت راه حل سنتی و مألوف برای اقتصادهای سرمایه‌داری ضعیفی است که اغلب به دست امپریالیسم به فقر و فلاکت دچار شده‌اند. این روالی بود که ایرلند برای بیش از ۱۵۰ سال با آن درگیر بود: هر گاه که اقتصاد دچار رکود می‌شد، مردم ایرلند مهاجرت می‌کردند. به همین منوال مردم ایتالیا، یونان، پرتغال و اسپانیا در دوره پس از ۱۹۴۵ (پس از جنگ جهانی دوم) مهاجرت را برگزیدند. در زمان بحران استقراض منطقه یورو در سال‌های ۲۰۱۲-۱۵، در همه کشورهای اتحادیه اروپا مهاجرت به کشورهای ثروتمندتر شمال اتحادیه اروپا افزایش چشمگیری داشته است – جمعیتی بالغ بر یک میلیون از جنوب اروپا به سمت شمال آن مهاجرت کردند.

به عکس، از آن طرف هر رشدی در جمعیت اروپا وسیعاً معلول مهاجرت بوده است. در حالی که تعداد مولید و مرگ و میرها هر دو ۵.۱ میلیون بوده، مهاجرت خالص با افزایش ۱.۵ میلیونی جمعیت اروپا را تا ۵۱۱.۸ میلیون بالا برده است. اما همچنان که در یکی از بیست‌های قبلی نشان داده‌ام، صرفاً عامل مهاجرت برای جبران زوال جمعیت در اقتصادهای سالخورده اروپای شمالی از قبیل المان کفایت نمی‌کند.

و این امر حتی بیشتر در مورد جنوب اروپا صادق است. طبق آمار ملل متحد، پرتغال، ایتالیا، یونان و اسپانیا شاهد زوال بیش از ۲۵٪ جمعیت در سن کار خود خواهند بود. این چهار کشور از این نظر جزو شش رده نخست در سطح جهان هستند و تنها پس از کوریای جنوبی و جاپان قرار دارند. تا سال ۲۰۵۰ در هر چهار کشور تعداد افراد وابسته به کار دیگران بیشتر از جمعیت در سن کار خواهد بود.

نمودار زوال جمعیت در سن کار در فاصله سالهای ۲۰۲۰ تا ۲۰۵۰ و شکاف نیروی کار در سال ۲۰۵۰



پولند، رومانی و اوکراین نیز کاهش جمعیت در سن کار به میزان ۲۵٪ یا بیشتر بین سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۵۰ تجربه خواهند کرد. آنها همچنین شاهد افزایش نرخ‌های وابستگی سالخورده‌گی به میزان ۶۰٪ در مورد پولند، ۵۲٪ در

رومانی و ۴۶٪ در اوکراین خواهند بود. این "شکاف نیروی کار" در پولند، پرتغال، ایتالیا، و یونان ۵۰٪ و یا بیشتر است و در روسیه، اوکراین، رومانی و چک بین ۳۰ تا ۴۰ درصد است.

اقتصادها در صورتی از لحاظ تولید ناخالص داخلی رشد می‌کنند که اشتغال افزایش یابد و/یا بهره‌وری نیروی کار افزایش پیدا کند. اکثر اقتصادهای سرمایه‌داری پیشرفته با افت جمعیت در سن کار و افت اشتغال مواجه هستند، اما این افت با افزایش بهره‌وری نیروی کار جبران می‌شود تا این کشورها لااقل به مقداری رشد واقعی در تولید ناخالص داخلی دست یابند. افزایش بهره‌وری وابسته به ازدیاد سرمایه‌گذاری مولد در ازای نیروی کار است. اروپای شرقی بیش از هر منطقه دیگری در جهان با کسری جمعیت یعنی کاهش نیروی کار مولد مواجه است. آیا سرمایه‌داری در این منطقه قادر به ایجاد رشد سریع‌تر بهره‌وری کار به حدی خواهد بود که بتواند در قریب به یک دهه آینده این مشکل را جبران کند؟ اگر قادر به این امر نباشد، آنگاه نواحی فقیرتر منطقه در مرزهای غربی اوکراین برای اوکراینی‌هائی که اکنون از وطن خود فرار می‌کنند، هیچگونه امنیت اقتصادی ارزانی نخواهند داشت.

۱۷ مارچ ۲۰۲۲

مأخذ:

<https://thenextrecession.wordpress.com/2022/03/17/eastern-europes-demographic-deficit>